

بررسی تطبیقی تجسم اعمال در سوره زلزال در تفاسیر فریقین و حکمت متعالیه

فاطمه وثوق*

غلامحسین اعرابی**

چکیده

«تجسم اعمال» از جمله مفاهیم مورد بحث در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و فلسفه است. یکی از سوره‌های قرآنی که تجسم اعمال در آن بازتاب یافته، سوره زلزال است که با وجود آنکه فقط هشت آیه دارد، مسائل مهمی پیرامون سرای آخرت، در آن مطرح شده که بحث تجسم اعمال، مهم‌ترین آن است. با توجه به اختلاف‌نظرهایی که در دیدگاه مفسران و فلاسفه درباره آیات تجسم اعمال، وجود دارد تحقیق پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی درصدد تبیین، نقد و تطبیق دیدگاه‌های مطرح‌شده، پیرامون تجسم اعمال در آیات سوره زلزال است؛ پژوهش‌های گذشته، صرفاً به شکل پراکنده بحث تجسم اعمال در آثار اندیشمندان اسلامی را تبیین نموده‌اند و تطبیقی در زمینه مقایسه این بحث بین مفسران و فلاسفه انجام نشده است. پژوهش حاضر، در پی مطالعه تطبیقی جامع در این زمینه است. از مهم‌ترین نتایج آن می‌توان به این اشاره کرد که بیشتر مفسران، آیات سوره زلزال را به معنای جزای اعمال گرفته‌اند اما در قرن چهارم طبری در تفسیر جامع البیان - که به اقوال مختلف پرداخته است - به مسئله تجسم اعمال و آگاهی از اعمال خیر و نیز شر اشاره کرده است. ملاصدرا در قرن یازدهم آن را به معنای تجسم اعمال گرفته است. برخی از مفسران اهل سنت نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند. برخی از شیعیان سده‌های اخیر مانند: نراقی، علامه طباطبایی، شعرانی و صادقی تهرانی آن را به معنای تجسم اعمال گرفته‌اند.

واژگان کلیدی

سوره زلزال، تجسم اعمال، تفسیر کلامی، تفسیر تطبیقی، حکمت متعالیه.

f.vosugh@gmail.com

g.arabi@qom.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

*. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

طرح مسئله

یکی از موضوعات ویژه و جذاب علوم اسلامی، مبحث تجسم اعمال است. این موضوع در آثار حکمای اسلامی، اعم از عرفا، مفسران، فیلسوفان و محدثان از دیرزمان تاکنون مطرح بوده و موافقان و مخالفانی دارد. آیات مورد بحث در این زمینه فراوان و در چند دسته قرار دارد. نظرات مفسران نیز ذیل این آیات در تفاسیر فریقین از طبری و طبرسی گرفته تا تفاسیر معاصر همچون المیزان و نمونه، قابل پیگیری است؛ چنان که در کتاب‌های اخلاقی و عرفانی مانند جامع السعادات نراقی و محمد عبده و غزالی و غیر آن ... مطرح است، ملاصدرا نیز در اسفار و غیر آن، بر این مبحث، تحلیل فلسفی ارائه داده است.

از نظریه تجسم اعمال و نحوه تبدل اعمال تعبیرهای مختلف وجود دارد، از جمله گروهی عذاب را تجسم و صورت فعل و آثار نفسانی دانسته‌اند و گروهی دیگر عذاب را صورت باطنی اعمال دنیوی گفته‌اند.^۱ همچنین بعضی معتقدند که رابطه تکوینی عمل و جزای آن با وجود معذب و معاقب خارجی ناسازگار نیست. این نظریه معتقدان و مخالفان بسیاری داشته و عالمان دینی نیز در مورد آن متفق القول نیستند. این تفاوت تعبیرات و اختلاف نظرها تا به امروز ادامه یافته است.

سوره زلزال، از جمله شواهد قرآنی است که پیرامون تجسم اعمال در این سوره، بحث، اختلاف نظر و دیدگاه‌های متنوعی بین مفسرین، فلاسفه و اندیشمندان علوم قرآنی وجود دارد، لذا این پژوهش به دنبال بررسی و تطبیق بحث تجسم اعمال در سوره زلزال در تفاسیر فریقین و حکمت متعالیه است.

پرسش اصلی تحقیق حاضر عبارت است از اینکه موضع فریقین و حکمت متعالیه پیرامون بحث تجسم اعمال در سوره زلزال چیست؟

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی تبیین و تطبیق دیدگاه‌های برجسته پیرامون تجسم اعمال در سوره زلزال است.

پیشینه پژوهش

پیش از این، پژوهش‌های گسترده‌ای پیرامون تجسم اعمال در قرآن و دیدگاه فلاسفه و مفسرین پیرامون این مبحث انجام شده است. از جمله رساله‌هایی که در این زمینه نوشته شده است:

۱. بررسی تطبیقی آراء شیخ بهایی و علامه مجلسی از عالمان بزرگ صفوی در خصوص تجسم اعمال؛
۲. بررسی تجسم اعمال از دیدگاه علامه طباطبایی؛
۳. بررسی و تحلیلی - انتقادی مبانی و نتایج تجسم اعمال از دیدگاه ابن عربی و شارحان وی؛

۱. قدردان قراملکی، کاوشی در تجسم اعمال، ص ۱۱۶.

۴. نقد و بررسی آراء در باب تجسم اعمال؛

۵. بررسی و نقد نظریه تجسم اعمال از ملاصدرا تا معاصر؛

مقالاتی نیز در زمینه فوق، به رشته تحریر درآمده است. از جمله:

۱. تجسم اعمال از منظر دین و فلسفه (تجری، محمدعلی، پژوهش‌های فلسفی - کلامی)؛

۲. تجسم اعمال و تبیین عقلانی آن در حکمت متعالیه (کشاورز، رضا، مجله الهیات و حقوق)؛

۳. بررسی حل تعارض آیات تجسم اعمال (غفارزاده، علی، مجله مطالعات تفسیری)؛

۴. کاوشی در تجسم اعمال (قراملکی، محمدحسن، مجله کیهان اندیشه).

کتاب‌هایی که پیرامون تجسم اعمال نوشته شده است:

- **تجسم اعمال در دنیا، قبر و قیامت** (کوهی، محمدرضا، انتشارات دارالمعارف اسلامی).

علی‌رغم تحقیقات بسیاری که در این زمینه انجام شده و به‌صورت موردی و پراکنده به این موضوع پرداخته شده است، اما هیچ تحقیقی در مورد بررسی و تبیین تجسم اعمال در سوره زلزال، به‌طور اختصاصی، انجام نشده است.

تجسم اعمال

تجسم اعمال، اصطلاحی در کلام و فلسفه اسلامی، به‌معنای مجسم‌شدن اعمال آدمیان در برابر آنها در روز قیامت است. این اصطلاح را گاه به صورت‌های تجسیم یا تجسم یا تصور یا تمثیل عقاید یا اعتقادات یا احوال یا نیت یا افکار هم به‌کاربرده‌اند.^۱

تجسم اعمال، متضمن این معناست که ثواب و عقابِ اعمال خوب یا بد انسان‌ها چیزی جدا از آن اعمال نیست و به بیان دقیق‌تر، اعمال انسان‌ها و عواقب آنها با یکدیگر رابطه تکوینی دارند و معذب خارجی در کار نیست؛ مثلاً اگر در برابر گناهی آتش دوزخ وعده داده شده، آن آتش چیزی جدا از آن فعل گناه نیست، بلکه حقیقت آن است که تمثیل پیدا کرده است.

نظریه تجسم اعمال ریشه در بعضی آیات قرآن و احادیث دارد. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد متضمن این معنا که هرکس در قیامت، خودِ عملش را می‌بیند، مثل «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»^۲.

از سوی دیگر آیاتی وجود دارد که بر اعتباری‌بودن عقاب و وجود معذب خارجی دلالت می‌کند، از قبیل

۱. ملاصدرا، *المبدأ و المعاد*، ص ۲۸۵.

۲. آل عمران / ۳۰.

«لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»^۱ و «... فَأَنْتَقِمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا...»^۲.

در چندین حدیث با صراحت بر تجسم اعمال در قیامت تأکید شده است، از جمله روایتی از پیامبر اکرم خطاب به قیس بن عاصم که در آن به اینکه اعمال انسان بر او آشکار می‌شود، اشاره شده است.^۳ این آیات و احادیث سبب شده که آرای مختلفی درباره جزای اعمال در آخرت مطرح شود. گروهی آیات مغایر با تجسم اعمال را مبنا قرار داده و آیات ناظر بر تجسم را طوری تفسیر کرده‌اند که با آیات مغایر با آن تعارضی نداشته باشد؛ مثلاً در آیه مذکور از سوره زلزال غالب مفسران،^۴ خصوصاً متقدمان، «لِيُرَوْ أَعْمَالُهُمْ» را به معنای دیدن جزای اعمال یا نامه اعمال دانسته‌اند. گروهی از این مفسران، از جمله فخر رازی (ذیل زلزال / ۶) و طبرسی (ذیل آل عمران / ۳۰)، در دفاع از این تفسیر گفته‌اند که اعمال، اعراض‌اند و عرض هم باقی نمی‌ماند و اعاده آن امکان‌پذیر نیست، لذا اینکه بگوییم خود اعمال در قیامت مجسم می‌شوند، نادرست است.

در برابر، گروهی آیات ناظر به تجسم اعمال را بدون تأویل و به همان صورت ظاهر پذیرفته‌اند، از جمله شیخ بهائی که در تفسیر آیه ۶ سوره زلزال، در تقدیر گرفتن جزا برای اعمال را درست نمی‌داند و معتقد است که «دیدن به خود اعمال برمی‌گردد»^۵؛ او که از طرفداران نامدار نظریه تجسم اعمال است، در این زمینه به آیات مذکور و احادیث مختلفی - که به قول او موافق و مخالف نقل کرده‌اند - استناد می‌کند. وی می‌گوید مارها و عقرب‌هایی که در دوزخ وعده داده شده، خود اعمال و عقاید و اخلاق مذموم و ناپسند است که به این صورت ظاهر می‌شود، چنان‌که حور و ریحان و مانند آنها، اخلاق و اعمال و اعتقادات درست و صالح است. این تفاوت صورت‌ها به سبب اختلاف مراتب است.^۶

این نظر شیخ بهائی بی‌سابقه نبوده است. اهل عرفان تجسم اعمال را باور داشته‌اند؛ از جمله می‌توان به نظر مولوی اشاره کرد که به این موضوع اشاره کرده است. همچنین گفته شده که این نظر در میان اخوان‌الصفا سابقه داشته است.^۷ ملاصدرا این نظر را به فیثاغورس نسبت داده و از او سخنانی در این باره نقل کرده است.^۸ در آثار غزالی، مثلاً در *الاربعین فی اصول الدین* (ص ۲۱۴ - ۲۱۳) و ابن عربی، برای نمونه

۱. ابراهیم / ۵۱.

۲. روم / ۴۷.

۳. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۴، ص ۱۱۱.

۴. از جمله طبری؛ زمخشری؛ طبرسی؛ فخر رازی؛ بیضاوی.

۵. بهایی، *الاربعون*، ص ۱۹۱.

۶. همان، ۱۹۲.

۷. آشتیانی، *شرح بر زاد المسافر ملاصدرا*، ص ۸۷.

۸. صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة*، ص ۱۴۳.

در *الفتوحات المکیة* (ج ۱، ص ۳۰۷) سخنانی در تأیید این نظریه دیده می‌شود. به‌طور کلی باید گفت که تجسم اعمال از باورهای بسیاری از مردم بوده و در طول تاریخ حکایات بسیاری در این باره نقل شده و از دیرباز تاکنون موضوع آثار تمثیلی و ادبی - هنری بوده است.

محمدباقر مجلسی با شیخ بهائی که مجدداً این نظریه را مطرح کرد، مخالفت جدی نموده و گفته است که تجسم اعمال، افعال و احوال دنیا در آخرت، دو حالت می‌تواند داشته باشد، اول اینکه شبیه آن اعمال، به ازای آنها خلق شود و دیگر اینکه أعراض به جواهر تغییر کند. وی شق اول را درست می‌داند و معتقد است که در نفی آن چیزی به‌صراحت نقل نشده است.^۱ وی محال بودن انقلاب جواهر به عرض و عرض به جواهر را در این دنیا با امکان آن در آخرت غیرقابل جمع دانسته است، به این دلیل که نشئه آخرت چیزی متفاوت با این نشئه نیست و تنها تفاوتش این است که مرگ و احیا در این میان اتفاق افتاده است.^۲ وی همچنین تشبیه دنیا و آخرت را به خواب و بیداری و مقایسه آنها را سفسطه دانسته است، چراکه آنچه در خواب ظاهر می‌شود، وجود علمی و ذهنی است و آنچه در خارج ظاهر می‌شود، وجود عینی است و این دو نحو وجود تفاوت‌های فراوان دارند، اما دنیا و آخرت، هر دو، وجود عینی دارند. او قول به تجسم اعمال را در آیات و اخبار غیرصریح دانسته و بر این باور است که به‌ازا یا در جزای اعمال چیزی خلق می‌شود و اخبار و روایات بسیاری را ناظر به این معنی می‌داند.^۳ وی در جای دیگر درباره همین موضوع تا آنجا پیش‌رفته که با تخطئه نظر شیخ بهائی، قول به این نظر را مستلزم انکار دین و خروج از اسلام دانسته است.^۴ این اظهار نظر مجلسی واکنش شدید قائلان به این نظریه را برانگیخته است.

تجسم اعمال آیات سوره زلزال در نگاه مفسرین

مفسرین قرآن کریم، آیات دال بر تجسم اعمال در سوره زلزال را در ده دسته و گروه، تقسیم‌بندی و شرح و تفسیر کرده‌اند. در این دسته‌بندی، برای هر موضوع مرتبط با تجسم اعمال، آیه یا آیاتی را ذکر کرده‌اند. دیدگاه‌های مهم پیرامون تجسم اعمال آیات ۶ - ۸ سوره زلزال که بر زنده و مشهود بودن عمل، پس از مرگ دلالت دارند:

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.

۱. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷، ص ۲۲۸.

۲. مطهری، *انسان در قرآن*، ص ۱۹۳.

۳. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷، ص ۲۳۰ - ۲۲۹.

۴. همان، ج ۹، ص ۹۵.

در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می‌آیند تا اعمالشان را به آنها بنمایانند؛ پس هرکس به وزن ذره‌ای نیکی کرده باشد آن را می‌بیند؛ و هر کس به وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را می‌بیند.

مقاتل بن سلیمان (حدود ۸۰ تا ۹۰ - ۱۵۰ ق) که در زمره کهن‌ترین مفسران قرآن محسوب می‌شود، در تفسیر این آیات می‌گوید آیه هفتم و هشتم سوره زلزال دربارهٔ دو تن نازل شد که سائلی چیزی خواست یکی‌شان چیز قابلی نداشت و دادن یک خرما یا گردو یا نان پاره‌ای را ناچیز انگاشت و نداد و گفت: اجر در برابر بخشیدن چیزی خواهد بود که دوست داریم و دیگری گناه جزئی را آسان می‌شمرد و می‌گفت یک دروغ و یک غیبت و یک نگاه چیزی نیست و خدا برای گناهان بزرگ تهدید به جهنم نموده است. این دو آیه به این مناسبت نازل گردید که مردمان به نیکی جزئی تشویق شوند تا به خیرات بزرگ برسند و از خطاهای کوچک نیز منع شوند تا به کبایر نکشند، زیرا هرکس به وزن و اندازهٔ ذره‌ای بدی یا نیکی کند آن را می‌بیند.^۱

این مفسر قرن دوم هجری، بر مشاهده و جزای هر میزان خوبی و بدی ولو به‌اندازه ذره‌ای باشد، تأکید دارد. در تفسیر مقاتل، استثناء و تفاوتی بین مسلمان و کافر قائل نشده است و معتقد است به‌طور عام هرکسی که به‌اندازه ذره‌ای نیکی یا بدی کند، سزا و جزای عملش را خواهد دید. در تفسیر ارزشمند *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* حسین بن علی ابوالفتح رازی (۵۲۵ - ۴۸۰)، بحث تجسم اعمال تبیین شده و نویسنده معتقد است «هر شخصی به‌اندازه ذره‌ای نیکی کرده باشد، می‌بیند»^۲ نکته مهمی که در تفسیر رازی مشهود است، اعتقاد وی بر اینکه برای مؤمنان فقط نیکی‌ها و برای کافران فقط بدی‌ها ثبت می‌شود، قابل تأمل است. استدلال وی از اینکه کافران نمی‌توانند خوبی خویش را در قیامت ببینند، این است که آنان ایمان ندارند پس پاداش اخروی نیز در کار نخواهد بود.

شیخ طبرسی (۴۶۸ - ۵۴۸) نیز معتقد است «هر کس به‌اندازهٔ وزن ذره‌ای کار خیر کرده پاداش و جزای آن را می‌بیند ... ذرهٔ غباری است که در شعاع خورشید دیده می‌شود و هرکس به‌اندازهٔ وزن ذره‌ای بدی کرده باشد آن را در نامهٔ عمل خود می‌بیند و موجب بدحالی‌اش می‌شود؛ یا مستحق عذاب است و اگر خدا او را عفو نکند پاداش عمل بد خود را می‌بیند، زیرا آیهٔ مخصوص به اجماع است، چون شخص توبه‌کننده به اجماع علما مورد عفو واقع می‌شود و آیات عفو دلالت دارد بر اینکه جز شرک، گناهان دیگر ممکن است عفو شود، پس می‌توان در معصیتی که انسان به آن مؤاخذه می‌شود شرط کرد که از معاصی مورد عفو نباشد»^۳.

۱. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ج ۴، ص ۷۹۱.

۲. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳. طبرسی، *فضل بن حسن، مجمع البیان*، ج ۶، ص ۶۸۷.

ایشان نیز، همچون مقاتل بن سلیمان، معتقد به مشاهده اعمال خیر و شر بنده، به میزان دقیق آن، تأکید دارد. وی در تفسیر دیگر خویش *مجمع البیان* به شرح دیدگاهش پیرامون تجسم اعمال بر طبق آیات سوره زلزال می‌پردازد. از منظر طبرسی، در مورد چگونگی دیدن اعمال نیز دو نظر است: از دیدگاه گروهی منظور از دیدن اعمال، نه دیدن با چشم ظاهر، بلکه آگاهی از عملکرد نیک و بد خویش از راه دل و شناخت باطنی است؛ اما به باور گروهی دیگر منظور دیدن با چشم ظاهر است تا بنگرند که هرآنچه انجام داده‌اند، همه و همه در کارنامه زندگی‌شان آمده و هیچ‌کار خرد و کلان و کوچک و بزرگ وانهاده نشده و همه چیز به حساب آمده است.

ابن کثیر دمشقی (۷۰۱ - ۷۷۴) در *تفسیر القرآن العظیم* معروف به *تفسیر ابن کثیر دمشقی*، بر مشاهده اعمال تأکید دارد:

(آن روز مردم به صورت دسته‌های پراکنده پیش می‌روند) یعنی گروه‌های جدا از مقام قیامت بازمی‌گردند. این بدان معناست که آنها به انواع و اقسام تقسیم می‌شوند: بین بدبختان و خوشبختان و مأموران به بهشت و مأموران به آتش جهنم. السدی گفت: اشتات یعنی فرقه‌ها. (تا اعمالشان به آنها نشان داده شود). یعنی عمل کنند و به آنچه در این زندگی خیر و شر انجام داده‌اند، پاداش دهند. (پس هرکس به وزن ذره‌ای کار نیکی کند آن را می‌بیند و هر کس به وزن ذره‌ای کار بد کند آن را می‌بیند). بخاری از ابوهریره روایت کرده است که رسول‌الله ﷺ فرمود: «از آتش بترسید، هرچند با صدقه‌دادن نصف خرما و حتی با گفتن یک کلمه خیر. هیچ کار نیکو را کم نگذارید، هرچند آب خوردن از سطل خود را به کسی که می‌خواهد آب بخورد یا برادران را با چهره‌ای بشاش ملاقات کند».^۱

ابن کثیر بر مشاهده و دیدن اعمال تأکید دارد و می‌گوید عین عمل در روز جزا، قابل مشاهده است. در ادامه به حدیث دیگری از صحیح اشاره می‌کند که پیامبر فرمود:

«ای گروه زنان مؤمن! هیچ‌یک از شما هدیه‌ای را که همسایه فرستاده است کوچک نکنید، هرچند فرسن گوسفندی باشد». کلمه فرسن در این حدیث به معنای سم آن است. در حدیث دیگری فرمود: «به گدا چیزی بدهید اگرچه سم سوخته باشد». امام احمد از عوف بن حارث بن طفیل نقل کرده که عایشه به او گفت که پیامبر می‌فرمود: «ای عایشه! از گناهی که کوچک می‌شوند پرهیز، زیرا خداوند آنها را به حساب می‌آورد». این حدیث را نسایی و ابن‌ماجه ضبط کرده‌اند. امام احمد از عبدالله بن ماس ضبط

۱. ابن کثیر دمشقی، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۴، ص ۱۲۷.

کرده است که رسول الله فرمودند: «از گناहانی که کوچک می‌شوند بپرهیزید، زیرا آنها بر صاحبشان محشور می‌شوند تا او را هلاک کنند» و در حقیقت رسول خدا ﷺ از آنها (گناهانی که سبک گرفته می‌شوند) مثال زد که آنها مانند قومی هستند که در زمین بایر ساکن می‌شوند، سپس رهبر آنها می‌آید و دستور می‌دهد که مردان یکی یکی بیرون بروند و هرکدام یک چوب بیاورند تا تعداد زیادی چوب جمع کنند، سپس آتشی افروختند و هرچه را در آن انداختند سوزاندند.^۱

در این حدیث نقل شده در تفسیر ابن کثیر چنین آمده است که «از گناهانی که کوچک می‌شوند بپرهیزید، زیرا آنها بر صاحبشان محشور می‌شوند تا او را هلاک کنند»^۲ محشور شدن اعمال در این بخش، مسئله مهمی دال بر تجسم اعمال است.

در **تفسیر حسینی** اثر حسین بن علی کاشفی (۸۴۰ - ۹۱۰) بر نمایش اعمال همگان تأکید دارد، منتهی معتقد است که مؤمن، فقط پاداش نیکی خود را می‌گیرد و گناهایش آمرزیده می‌شود، اما کافر، فقط به خاطر گناهایش مجازات می‌شود و از پاداش نیکی وی، خبری نیست. از منظر وی، مراد از «لِیَرَوْا أَعْمَالَهُمْ» این است که تا نموده شوند جزای کردارهای خود را. کاشفی، اشاره‌ای به مسئله نحوه مشاهده اعمال و تجسم آن ندارد و صرفاً بحث و تمرکز وی روی میزان دقت نظر در سنجش اعمال است.

در تفسیر کبیر **منهج الصادقین فی إلیزام المخالفین** فتح‌الله بن شکرالله کاشانی (۹۱۱ - ۹۸۸) مراد از دیدن، به چشم دل یا به چشم ظاهری تعبیر شده است:

مراد از لیرَوْا أَعْمَالَهُمْ تا نموده شوند جزای کردارهای خود را به رؤیت قلب یعنی معرفت به اعمال خود پیدا کنند یا ببینند به چشم سر جزای کردارهای خود را یا صحایف اعمال خود را بخوانند و آنچه کرده باشند از صغیره و کبیره به نظر ایشان درآید.^۳ پس هرکه عمل کند هم‌سنگ مورچه خرد یا مقدار آنچه دیده می‌شود در شعاع آفتاب در روزنه از هبء و غبار، نیکی را ببیند پاداش آن را. هرکه بکند به وزن نملء صغیر یا هبء بدی را ببیند مکافات آن را اگر مغفرت الهی شامل حال او نشود و در اسباب نزول آورده که دو کس بودند یکی سائل را به لقمه و کسوه نمی‌نواخت و می‌گفت این اندک است چیزی بسیار خیر می‌باید کرد تا بر آن مزد دهند و دیگری گناه خود را خوار می‌داشت و می‌گفت ما را بنظره و قطره مؤاخذه نخواهند کرد بلکه بکبائر عذاب خواهند کرد حق سبحانه آیه مذکوره را در شأن این دو کس فرود فرستاد.^۴

۱. ابن کثیر دمشقی، **تفسیر القرآن العظیم**، ج ۴، ص ۱۲۹ - ۱۲۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۲۹.

۳. کاشانی، **زبدۃ التفاسیر**، ج ۱۰، ص ۲۹۹.

۴. همان، ص ۳۰۰.

کاشانی از جمله مفسرانی است که بر دیدن و مشاهده اعمال، تأکید دارد؛ اما در تفسیر شریف لاهیجی محمد بن علی اشکوری (۱۰۱۰ - ۱۰۹۰) چنین آمده است:

لِيُرَوَّاْ أَعْمَالَهُمْ: تا نموده شود به ایشان اعمال ایشان یعنی جزای اعمال ایشان یا صحایف اعمال ایشان تا به سبب آن به سزا و جزای اعمال خود واقف گردند. در خبر است که چون این آیه نازل گردید بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله این کار عظیم است که به هر مثقال ذره از عمل که از ما صادر شود مکافات دهند حضرت فرمود که مکاره دنیوی مانند بیماری و مصیبت و امثال آنها که به شما می‌رسد، در برابر مثاقیل شر شماسست و اما مثاقیل خیر مدّخر است تا روز قیامت و مکافات آن را به شما دهند. علی بن ابراهیم روایت کرده که حضرت امام محمدباقر علیه السلام در تفسیر آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» چنین فرمودند که هرکس از اهل دوزخ که در دنیا مانند ذره‌ای کار نیک کند، می‌بیند آن را در روز قیامت از روی حسرت و ندامت که چرا این عمل را برای غیر خدای تعالی کرده‌ام و به محض رضای الهی به‌جا نیاوردم و هرکه از اهل جنت کار بدی کند، می‌بیند در روز قیامت آن را در حالتی که آمرزیده شده باشد از آن عمل.^۱

اشکوری نیز بر مشاهده و دیدن صحنه می‌گذارد با این تفاوت که می‌گوید خود اعمال یا پرونده اعمال قابل مشاهده است.

تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة اثر سلطان محمد بن حیدر سلطان علی‌شاه (۱۲۵۱ - ۱۳۲۷)، تجسم اعمال را به این شکل تبیین می‌کند که شخص هم خود اعمال را می‌بیند و هم صورت‌های مناسب آن را که از آن صورت‌ها به جزای اعمال تعبیر می‌شود.

حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، اثر عبدالحجت بلاغی (۱۲۷۴ - ۱۳۵۵) مشهور به حجت علیشاه نیز در تفسیر آیات سوره زلزال، چنین بیان می‌کند:

آن روز مردم دسته‌دسته از گورها می‌آیند و به موقف حساب می‌روند تا اعمال ایشان به ایشان ارائه شود. پس هرکس به‌قدر سنگینی ذره (غبار پراکنده در هواء) عمل خیری (در این دنیا) انجام می‌دهد، آن را در آن روز می‌بیند و هرکس به‌قدر سنگینی ذره (غبار پراکنده در هواء) عمل شری (در این دنیا) انجام می‌دهد، آن را در آن روز می‌بیند.^۲

بلاغی بر دیدن عین اعمال و تجسم آن اشاره می‌کند و معتقد است هرکس به‌قدر ذره‌ای عمل خیر

۱. اشکوری، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۸۴۳

۲. بلاغی، آلاء الرحمن، ص ۲۸۴

یا شری (در این دنیا) انجام می‌دهد، آن را در آن روز می‌بیند.

اما تفسیر **اثنی عشری** اثر سیدحسین شاه‌عبدالعظیمی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۴ ق) بیشتر به رؤیت قلب تعبیر کرده است. وی بر دیدن و مشاهده اعمال اشاره دارد با این تفاوت که بین دیدن عین عمل یا پرونده آن مردد است.

تفسیر **کاشف** نوشته محمدجواد مغنیه (۱۳۲۲ - ۱۴۰۰ ق) نیز به دیدن اعمال تأکید دارد:

خداوند در روز قیامت این جهان را به جهانی دیگر تبدیل و آخرین مردم را به نخستین آنان ملحق می‌کند و آنها با آنچه که دارند به جایی می‌روند که هرکدام از ایشان کیفر کردارش ببیند.^۱

یکی از مهم‌ترین و منطقی‌ترین موضع‌گیری‌ها پیرامون بحث تجسم اعمال، در **المیزان فی تفسیر القرآن** اثر ارزشمند علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۳۲۱ - ۱۴۰۲) مطرح شده است. ایشان پیرامون تجسم اعمال در این آیات می‌فرماید:

مردم در روز قیامت از موقف حساب به سوی منزل‌های ابدی خود (که یابهبشت است و یا دوزخ) بازگردانده می‌شوند، درحالی‌که متفرق و متفاوت هستند و اهل سعادت از اهل شقاوت ممتاز می‌باشند تا اعمال خود را ببینند و جزا داده شوند، آنهم نه از دور، بلکه آنها را داخل در جزا می‌کنند و یا خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال به ایشان نشان می‌دهند. بعضی مفسران صدور مردم را به معنای بیرون‌شدن از قبر و تفرق آنها را به متمایزبودن از نظر سیما تفسیر کرده‌اند.

در ادامه می‌فرماید:

هرکسی که به اندازه سنگینی دانه ریز غبار که در شعاع آفتاب دیده می‌شود یا به سنگینی مورچه ریزی، عمل خیر یا شر انجام داده باشد، آن را می‌بیند، یعنی هیچ عمل کوچک یا بزرگ و یا خیر و شری از این ارائه اعمال استثناء نمی‌شود. در اینجا توهمی درباره حبط اعمال یا تکفیر آن پیش می‌آید که توضیح آن این است: فردی که عملش حبط و باطل شده، حکمش مانند فردیست که اصولاً عمل خیری انجام نداده تا بخواهد آن را مشاهده کند، به همین صورت توبه‌کنندگانی که گناهانشان تکفیر شده، حکمشان حکم فردیست که گناهی ندارد و شری مرتکب نشده تا بخواهد در قیامت آن را ببیند.

۱. مغنیه، **التفسیر الکاشف**، ج ۸، ص ۱۵۷.

علامه طباطبایی معتقد است هرکسی که به اندازه سنگینی دانه ریز غبار که در شعاع آفتاب دیده می‌شود یا به سنگینی مورچه ریزی، عمل خیر یا شر انجام داده باشد، آن را می‌بیند، یعنی هیچ عمل کوچک یا بزرگ، یا خیر و شری از این ارائه اعمال استثناء نمی‌شود.

در تفسیر *پرتوی از قرآن* نوشته سید محمود طالقانی (۱۳۲۲ - ۱۳۹۹) این مبحث مطرح شده است:

مثقال به معنای اسم مصدر مفعول یعمل، خیرا تمیز یا حال برای مفعول «مثقال ذره» است. با توجه به این ترکیب منظور آیه انجام عمل سنگین از خیر یا شر است، گرچه سنگینی آن عمل به اندازه ذره‌ای باشد؛ زیرا اگر مقصود چنان که عموم فهمیده‌اند این باشد که هرکس عمل خیر یا شری انجام دهد، گرچه بسی سبک و به اندازه ذره‌ای باشد، تعبیر دیگری، مانند «فمن یعمل خیرا و لو اخف من ذرة» می‌باید. خلاصه آنکه ظاهر آیه انجام عمل سنگین و دارای وزن است گرچه وزن آن در نظر سبک آید. سنگینی وزن عمل انسانی به مقدار قدرت تعقل و اختیار و اراده آگاهانه است. همین قدرت اختیار و اراده است که عمل را دارای اثر تکلیفی و به صورت ثابت و باقی می‌گرداند. از این جهت اعمال طبیعی و غریزی و بدون اختیار هرچه به ظاهر بزرگ و سنگین باشد، وزن تکلیفی و اثر باقی ندارد. کارهای طبیعی و غریزی مانند کار ماشین‌های مولد است که پیوسته ماده را مبدل به نیروهای محرک در می‌آورد و در همان حدود و ظروف محدود، به صورت‌های مختلف در می‌آید و دور می‌زنند. ولی همین که این قوای طبیعی و غریزی در ساختمان اسرارآمیز انسان وارد شد و مبدل به نیروی ادراک و حرکت ارادی و عضوی گردید و عقل و اندیشه در آن تصرف نمود، از محیط و مدار طبیعت صعود نموده و دارای قدرتی برتر و میدانی وسیع‌تر از حدود جهان طبیعت می‌گردد و همی وسعت و بقاء می‌یابد و پیش می‌رود و در حد قدرتی که دارد قدرت‌های فکری و طبیعی را مسخر می‌نماید و مسیر آنها را تغییر می‌دهد و در درون ذرات ماده و ما وراء آن اثر باقی می‌گذارد و یا خود آنها را بصورت باقی در می‌آورد.^۱

مردم از درون زمین و حوادث آن بس پراکنده و گروه‌گروه بیرون آیند تا اعمالشان به آنها نمایانده شود و نمایش اعمال خود را بنگرند. شاید فعل یصدر اشعار به این حقیقت داشته باشد که حقیقت بسیط حیات یا روح شکل نگرفته انسانی، بعد از آنکه در میان عناصر طبیعت و زمین دم‌ش یافت و از منابع و آبشخورهای این جهان و اکتساب اعمال و اخلاق مایه گرفت و کامل، متشخص و متمایز گردید، در چنین روزی که زمین تبدیل می‌یابد و بندها باز می‌شود، با صورت‌های گوناگون و پراکنده، بسوی عالم

۱. طالقانی، *پرتوی از قرآن*، ج ۶، ص ۲۲۱.

اصلی خود که عالم قدرت و بروز و نمایش اعمال و صورت‌های باطنی است، بازمی‌گردند.^۱
تفسیر *انوار درخشان* اثر حسینی همدانی (۱۳۲۲ - ۱۴۱۷ ق) نیز به بحث پیرامون تجسم اعمال پرداخته است:

پس از بررسی اعمال افراد بشر، از اولین و آخرین، هر فردی به‌خصوص مسیر خاصی در پیش خواهد داشت و هر فردی از اهل ایمان بر حسب مقام از سعادت و نعمت که برای او مقرر شده بدان سو رهسپار خواهد بود. به همین قیاس هر فردی از کفار و گناهکاران به مقامی که برای او از درکات دوزخ مقرر و اعلام شده سوق داده می‌شود و اندیشه باطل و اعمال قبیح و گناهان آنان تجسم یافته وسیله اجرای عقوبت بر آنان خواهد شد. مفاد کلمه (لِیُرَوَّاْ اَعْمَالَهُمْ) آنست که اعمال اختیاری آنان در عالم دنیا حرکت جوهری و ذاتی آنان بوده و در عالم قیامت بر حسب اقتضاء ذاتی و جوهر وجودی که کسب نموده به‌ظهور خواهد رسید.^۲

همدانی معتقد است هر فردی بر حسب شئون ذاتی خود به مقامی نائل خواهد شد و در نتیجه همه افعال اختیاری که سیر و سلوک و کسب جوهر ذاتی هر فردی است به‌ظهور خواهد رسید و اعمال صالحه اهل ایمان سیرت نعمت و رحمت آن به‌رشد رسیده و به‌صورت نعمت تجسم خواهد نمود. به همین قیاس اعمال قبیح و گناهان بیگانگان که به‌صورت نقت و عقوبت از درون آنان ظهور نموده و اعضا و جوارح آنان را فرا خواهد گرفت، استفاده می‌شود.

آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» بیان ظهور سیرت افعال اختیاری بشر است؛ نظر به اینکه که هر حرکت ارادی ظهوری از درون و رشد روان می‌باشد و بدان وسیله جوهر ذاتی خود را کسب می‌نماید، ناگزیر اقتضاء ذاتی است که در عالم قیامت به‌طور حتم همین اقتضاء ظهور خواهد نمود و عمل خیر خود را چه بزرگ و مهم باشد و یا کوچک، رشد نموده به‌صورت نعمت در آمده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. باتوجه به اینکه که هر عمل خیر در دنیا از هنگام صدور، نیروی حیات به‌آن دمیده شده از نظر ارتباط که با ساحت پروردگار داشته، عمل باقی است و چنانچه در اثر ریا و یا عجب و مانند آن حبط شود، نیروی حیات از آن عمل خیر زایل شده، کان لم یکن خواهد بود. بدین‌جهت در عالم قیامت فقط هر عمل خیر که رابطه و شعار عبودیت داشته، مورد استفاده قرار گرفته از نظر اینکه نیروی بقاء به‌آن دمیده شده و گرنه بیهوده خواهد بود.^۳

۱. همان، ص ۲۲۲ - ۲۲۱.

۲. حسینی همدانی، *انوار درخشان*، ج ۱۸، ص ۷۲.

۳. همان، ص ۷۳.

همچنین هر که کوچکترین عمل ناسزا به جا آورد از نظر اینکه سیر و سلوک و کسب جوهر وجودی خود را به سوی پلیدی روی آورده در حقیقت به همان قدر صفاء و نورانیت روانی خود را از دست داده ظلمت و تیرگی آن عمل گریبانگیر او خواهد شد همچنان که از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که ارتکاب گناه سبب پیدایش تیرگی در قلب اهل ایمان خواهد شد؛ چنانچه به توبه و آتش حسرت و پشیمانی تیره‌گی قلب خود را رفع و صفاء و نورانیت از دست رفته خود را باز خواهد یافت و گر نه تیرگی بطور ثابت خواهد بود. رفتار ناسزا و ناسپاسی نعمت پروردگار مرتبه‌ای از شقاوت و محرومیت از رحمت است همچنان که اندیشه کفر و شرک رذیله خلقی و مبارزه با ساحت کبریائی حجاب و پرده‌ای است که روان انسان را تیره و ظلمانی نموده و از مقام انسانی ساقط می‌نماید.^۱

آخرین تفسیر پیرامون شرح و تفسیر این آیات، تفسیر نمونه مکارم شیرازی (۱۳۴۵ ق) می‌باشد. در این تفسیر، جمله «لیروا اعمالهم» به معنی «تجسم اعمال» و مشاهده خود اعمال است و این آیه یکی از روشن‌ترین آیات که بر مسئله تجسم اعمال دلالت دارد محسوب می‌شود؛ یعنی در آن روز اعمال آدمی به صورت‌های مناسبی تجسم می‌یابد و در برابر او حضور پیدا می‌کند و همنشینی با آن مایه نشاط یا رنج و بلاست.

به این ترتیب، در بین تفاسیر فوق، چند مسئله پیرامون تجسم اعمال مشهود است: گروهی بر دیدن عین اعمال تأکید داشتند و گروهی نیز دیدن پرونده اعمال را صحیح می‌دانند و در این بین عده‌ای نیز بین این دو تردید داشتند. برخی از مفسرین هم بر روی میزان سنجش اعمال تکیه دارند و نسبت به نحوه تجسم اعمال واکنشی نداشتند.

تجسم اعمال آیات سوره زلزال در حکمت متعالیه

نظریه تجسم اعمال که بخشی از نظام فکری حکمت متعالیه می‌باشد، با تکیه بر مبانی عقلی فلسفی ملاصدرا از جمله حرکت جوهری - معاد جسمانی - اتحاد عاقل و معقول قابل اثبات است. از منظر صدرالمتألهین همانطور که امور عینی بر ذهن اثر می‌گذارد، امور ذهنی نیز بر عین اثر می‌گذارد. تأثیر امور عینی و ذهنی یکسان نیست، مثلاً رطوبت در برخورد با جسم غیر مرطوب، آن را مرطوب می‌کند، اما با تأثیر بر حس و خیال آن را مرطوب نمی‌کند؛ بلکه به صور محسوسه و متخیله مبدل می‌شود. پس ماهیت واحد در جاهای مختلف اثرات متفاوت به جا می‌گذارد، مثلاً خشم که امری درونی است، می‌تواند به شکل عینی و بیرونی به نحو تندی ضربان قلب، سرخی گونه‌ها و در جای دیگر به شکل آتش نمایان گردد.

۱. حسینی همدانی، *انوار درخشان*، ج ۱۸، ص ۷۴.

اعمال انسان‌ها نیز می‌تواند تبدیل به اخلاق و ملکات نفسانی شوند؛ یعنی از صورت جسمانی خارج شوند؛ و در آخرت همین اخلاق و ملکات به اجسام آن جهانی تبدیل می‌شوند. همانطور که هیولا ماده تکون اجسام و صور مقداری است ولی خودش مقدار پذیر نیست، ماده پیدایش تجسم اعمال و تکون اجسام و صور مقداری در آخرت است. نفس و هیولا با هم تفاوت‌هایی دارند که در مسئله تجسم اعمال به نقش نفس در این مورد باید توجه نمود.

ملاصدرا قائل است میان قوه و فعل رابطه‌ای خاص وجود دارد. امور جهان از نقص به سوی کمال در حرکتند. ناقص چون به ذات خود قائم نیست مگر به واسطه وجود کامل، پس هر صورت ناقصی که در عالم وجود پیدا می‌کند، وجودش واسطه صورت دیگری است که بر آن محیط است.^۱ بنابراین، کمال همیشه قبل از نقص، وجود قبل از امکان و ما بالفعل قبل از ما بالقوه است و آنچه باعث می‌شود مردم به اشتباه بیافتند این است که می‌بینند قوه و نقص بر فعلیت و کمال تقدم زمانی دارند. پس اعمال و افکار ما یک صورت مثالی و عقلی دارد که به واسطه همان صورت مثالی و عقلی قوام و حیات دارد؛ مثلاً حتی در امور روزمره خود نیز می‌یابیم که یک احساس زیبا، صورت زیبایی را در قوا ایجاد می‌کند، از آن صورت در قوه خیال و عقل ما زیبایی پدیدار می‌گردد و برعکس آن نیز جاری است و این نشانه علاقه و ارتباط بین صور محسوس و عالم عقل و خیال است. وقتی این رابطه شدت بگیرد از آنچه در قوه عقل و خیال است، گاه یک صورت خارجی متمثل می‌گردد، مانند جبرئیل که بصورت یک بشری متمثل شد. پس هر آنچه در عالم آخرت در بهشت و جهنم خواهیم دید، چیزهایی است که از باطن به ظاهر بروز می‌کند. صور حسیه قالب صور نفسانیه و صور نفسانیه قالب صور عقلانیه هستند.^۲ انسان هر امر محسوس را بعد از عروج به عالم اعلی، به واسطه بصیرت عقل، تمام حقایق عالم طبیعی را عقلی دائم دارای حیات پاک و خالص خواهد دید.

نظریه تجسم اعمال را صدرالمتألهین، به اوج رساند، به طوری که از پذیرش بسیار برخوردار شد. وی کوشیده است با مبانی عقلی و موازین حکمی به نحو مشروح و معتدل به این نظر پردازد.^۳ این نظریه بخشی از کل نظام فکری اوست و با دیگر نظریاتش، از جمله درباره حرکت جوهری و معاد جسمانی و اتحاد عاقل و معقول، سازگاری دارد. ملاصدرا در جای جای آثارش در تفسیر آیات و شرح روایات به تجسم اعمال اشاره می‌کند و به رد شبهاتی که در زمینه عذاب قبر و عذاب خدا و مسئله عدل و اختیار مطرح شده است، می‌پردازد.

۱. ملاصدرا، *المبدأ و المعاد*، ص ۵۴.

۲. صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة*، ص ۱۵۶.

۳. آشتیانی، *شرح بر زاد المسافر ملاصدرا*، ص ۸۹.

پس از ملاصدرا، این نظریه طرفداران فراوان یافت که از آن جمله می‌توان به فیض کاشانی و ملاحادی سبزواری اشاره کرد.^۱ در میان معاصران نیز مخالفانی چون فیاض که تجسم اعمال به معنای نفی وجود معذب و معاقب خارجی را نفی می‌کند و موافقانی مثل اصفهانی، امام خمینی، طباطبائی و مطهری، در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند و گروهی در عین پذیرش تجسم اعمال، ثواب و عقاب آخرت را منحصر در تجسم اعمال ندانسته و به نوعی کوشیده‌اند میان نظر موافقان و مخالفان توافق ایجاد کنند یا هر دو نظر را حفظ کنند. از جمله جوادی آملی و مصباح.

بررسی تطبیقی تجسم اعمال

تاریخچه بحث از تجسم اعمال در میان مسلمانان به تاریخ ابداع این اصطلاح برمی‌گردد؛ از آنجا که آیات قرآن به صورت صریح تجسم اعمال را مطرح کرده است، می‌توان گفت این بحث صراحتاً به وسیله قرآن کریم مطرح شده، اما در عین حال این موضوع مورد اختلاف قرار گرفته است و منشاء این اختلاف را می‌توان آیه‌ای از قرآن دانست که مجازات اخروی را به صورتی غیر از تجسم مطرح کرده‌اند؛ مضافاً این متفکران در نظام عقلانی خویش توجیه مناسبی برای تجسم اعمال نیافته‌اند. در دوره‌های نخستین تفسیر قرآن کریم این موضوع در شمار جدی‌ترین مباحث بود. مفسران متقدم نظیر طبری، طبرسی و شیخ طوسی به تأویل آیات مثبت متمایل بودند اما به ناچار در مقابل آیه‌ای که صریح در این معنا بوده‌اند، ناچار تسلیم شده و کلمات دو پهلویی به کار برده‌اند.

این نظریه در ادامه سیر تاریخی خود، طرفداران بیشتری پیدا کرد، به طوری که قول بیشتر مفسران و عقیده رایج در میان اهل سنت و حتی ضروری دین دانسته شد. با وجود مخالفت برخی از صاحب‌نظران همچون علامه مجلسی و ملا نظرعلی طالقانی، با ظهور حکمت متعالیه و طرح مباحثی همچون حرکت جوهری، اتحاد عاقل و معقول، کارکرد قوه خیال، تجسم اعمال به اوج شکوفایی رسید. به نحوی که می‌توان ادعان کرد که مقبولیت عام یافته و کمتر کسی یافت می‌شود که با آن مخالفت نماید. بنابراین، علاوه بر قرآن کریم و احادیث شریف تجسم اعمال در میان حکما، عرفا و متکلمین مطرح و از نظر عقلی نیز اجمالاً مبرهن است و نزد کسانی که اهل کشف و شهودند حقیقتی مسلم می‌باشد. وجه اشتراک برجسته بین اکثریت مفسران با ملاصدرا در این است که هر دو گروه، تجسم اعمال را به معنای تمثیل (به تصویر درآمدن چیزی شبیه به عمل و به عبارتی مشاهده نمونه‌ای شبیه به همان عمل) در نظر گرفته‌اند. از نظر موافقان، تجسم اعمال یعنی به شکل و جسم درآمدن افعال، نیات، اخلاق و عقاید انسان

۱. سبزواری، حاشیه اسفار، ص ۲۱۴ و ۲۶۸.

متناسب با نشئه‌ی برزخ و قیامت به این معنی که رفتار و کردار و اخلاقیات و اعتقادات و نیات آدمی در نشئه‌ی دیگر به شکل جسم برزخی و آخرتی پدیدار شده و باعث عذاب یا پاداش اخروی خواهد شد.^۱ برخی میان موافقین در تعریف تجسم و یا بهتر بگوییم در متعلق تجسم بین انشاء نفس و صورت ملکوتی تفاوت قائل‌اند.^۲ ایشان می‌پندارند؛ موافقان دو قسم هستند برخی تجسم اعمال را از آثار نفسانی می‌دانند و گروه دیگر آن را صورت ملکوتی و باطنی افعال؛ گرچه مجزی در هر دو قسم از خارج نیست، اما گروه اول نفس ناطقه را باعث ایجاد جزا میدانند و گروه دوم حقیقت و باطن فعل را باعث جزا در نظر می‌گیرند؛ درحالی که دو گروه بین فعل و جزا قائل به عینیت بوده و جزا را از خود فعل می‌دانند، برخی نیز به عینیت عمل و جزا و صورت باطنی اعمال که همان جزا است، تصریح کرده‌اند.^۳ باید گفت گرچه تعابیر کمی متفاوت هستند، اما هیچ اختلافی در بین نیست و تجسم به معنای انشاء نفس و یا صورت ملکوتی هر دو به یک معنی است؛ یکی به سبب اشاره دارد و اراده مسبب کرده و دیگری به کیفیت تجسم اعمال نگریسته و آن را بیان کرده است.^۴

تجسم اعمال از منظر شیخ بهائی نیز به کیفیت رابطه‌ی فعل و نتیجه اشاره دارد و ایشان مخالف انشاء نفس نیست بلکه افعال آدمی را که در دنیا دارای صورت ملکی است در جهان آخرت و برزخ دارای صورت ملکوتی می‌داند؛ عقاید، نیات و اخلاقیات آدمی در آخرت و در باطن دارای صورتهایی هستند که با کناررفتن حجاب دیده می‌شوند گرچه هم‌اکنون نیز موجودند.^۵

تجسم اعمال نزد مخالفان از جمله علامه مجلسی به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شود؛ از آنجا که ایشان تعریف مستقلی از تجسم اعمال ندارند، باید این اصطلاح را از اشکالاتی که به تجسم اعمال گرفته‌اند فهمید. اولین اشکالی که مجلسی بر تجسم اعمال می‌گیرد «تبدیل عرض به جوهر»^۶ است. که از آن می‌توان فهمید تجسم اعمال نزد وی یعنی عرض (عمل دنیوی) در آخرت به صورت جسم دنیوی (جوهر) تبدیل شود. دومین اشکال علامه مجلسی این است که طبق تجسم اعمال باید معاد جسمانی را انکار کرد و در آخرت بهشت و جهنم موهوم را پذیرفت.^۷ پس تجسم اعمال یعنی تبدیل افعال دنیوی به لذات

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۲، ص ۸۲.

۲. قراملکی، کاوشی در تجسم اعمال، ص ۶۸.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۸۲.

۴. استادی، نقد و بررسی نظریه انحصار پاداش و کیفر در تجسم اعمال، ص ۲۴.

۵. بهایی، الاربعون، ص ۱۹۶.

۶. مجلسی، مرآة العقول، ص ۴۹۳.

۷. ملاصدرا، المبدأ و المعاد، ص ۲۲۶ - ۲۲۵.

وهمی، خیالی و غیرواقعی. هرچند باید توجه داشت که قائلین نمی‌گویند اعمال انسان تبدیل به اجسام دنیوی میشود بلکه می‌گویند اعمال تبدیل به اجسام مثالی و اخروی می‌شوند. در اشکال دوم نیز باید گفت وهم و خیال مجرد با قوه‌ی وهمیه و توهم عرفی کاملاً متفاوت است.

مسئله تجسم اعمال از مسائلی است که مورد تأکید خاص آیات و روایات متعددی قرار گرفته است. این مسئله قطع نظر از بعد قرآنی و روایی، امروزه از مسائل علم کلام است و حل و فصل آن، پاسخگوی ایرادات بعضی از فلاسفه دین و متکلمان غرب در خصوص کیفرها و عذاب‌های اخروی نیز هست. نظریه تجسم اعمال یکی از موفق‌ترین راه‌حل‌های شبهه یاد شده است؛ و از این رو، در میان متکلمان و فلاسفه دین از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این امر انگیزه تحقیق و تحلیل دقیق نظریه مزبور را مضاعف می‌کند.

طرفداران تجسم اعمال، برای اثبات نظریه خویش علاوه بر ادله عقلی به دلایل نقلی از جمله آیات قرآن و روایات کثیری نیز تمسک جست‌ه‌اند. ایشان بر این باورند که گرچه خداوند در برخی آیات قرآن، سخن از روابط قراردادی بین اعمال انسان و جزای اخروی به میان آورده است؛ اما این روابط باید به روابط وجودی و حقیقی منتهی شود. علامه طباطبایی بر روابط تکوینی تأکید دارد و تمام آیاتی که غیر این مطلب را می‌فهماند را برای قابل درک بودن عموم مردم دانسته و در واقع خداوند با این آیات قصد دارد مثل انسان‌ها که در روابط اجتماعی با قراردادها سر و کار دارند سخن بگوید و الا قصد اصلی خداوند اعلان همان روابط واقعی است.^۱

«مراد از (صادر شدن مردم در قیامت با حالت تفرقه)، برگشتن آنان از موقف حساب به سوی منزل‌هاشان که یا بهشت است یا آتش، می‌باشد. در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می‌شوند تا اعمال خود را ببینند، جزای اعمالشان را نشانشان دهند، آن هم نه از دور، بلکه داخل در آن جزایشان کنند، یا به اینکه خود اعمالشان را بنابر تجسم اعمال به ایشان نشان دهند. بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از صدور مردم، بیرون شدنشان از قبور به سوی موقف حساب است، و منظور از متفرق بودنشان، متمایز بودن آنان از نظر سیما است، بعضی با روی سفید، و برخی با روی سیاه بیرون می‌آیند، بعضی با حالت امنیت، برخی با حالت فزع، و همچنین تمایزهای دیگر که از جزای اعمالشان و نتیجه حسابشان خبر می‌دهد. تعبیر از آگهی از جزا با واژه رویت، و تعبیر از اعلام به نتیجه حساب با واژه (ارائه) نظیر تعبیری است که در آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» وجود دارد، ولی وجه اول هم به ذهن نزدیکتر و هم روشن‌تر است...»^۲

۱. طباطبایی، *المیزان*، ص ۵۳۷.

۲. همان، ص ۵۳۸ - ۵۳۷.

مطهری با صراحت بیشتری به علت بیان الهی از آیات قراردادی می‌پردازد و آنها را برای فهم عرف می‌داند. برخی نیز بین ظاهر آیات و برداشت عقل جدایی قائل شده‌اند و چنین می‌اندیشند که آنچه عقل می‌گوید همان تجسم اعمال و رابطه تکوینی است، اما آنچه ظاهر آیات و روایات می‌گویند، دوئیت و قراردادی بودن بین فعل و جزای اخروی است.^۱

نتیجه

۱. با بررسی تفاسیر فریقین در آیات هفتم و هشتم سوره زلزال، اختلاف نظر به این صورت است که مفسرین، تجسم اعمال در این دو آیه را به معنای جزای اعمال یا به معنای تجسم اعمال گرفته‌اند. آنچه از شواهد بر می‌آید این است که بیشتر مفسران آیات سوره زلزال را به معنای جزای اعمال گرفته‌اند، اما در قرن چهارم طبری در تفسیر جامع البیان به مسئله تجسم اعمال و آگاهی از اعمال، چه خیر و چه شر اشاره کرده است: «و هر کار نیکی که در ایام زندگی خود انجام دهید، آن را پیش از مرگ برای خود در وقت معین، دارایی می‌کنید و ثواب آن را نزد پروردگارتان در روز قیامت خواهید یافت و به شما پاداش خواهد داد». بعدها ملاصدرا در قرن یازدهم، مفهوم این دو آیه را به معنای تجسم اعمال گرفته است. برخی از مفسرین اهل سنت هم به این مسئله اشاره کرده‌اند. برخی از شیعیان سده‌های اخیر مانند نراقی در معراج السعادات؛ طباطبایی، شعرانی، صادقی تهرانی و ... به معنای تجسم اعمال گرفته‌اند.

۲. در مقابل، برخی از مفسرین، همچون طبرسی و مجلسی، به شواهد تجسم اعمال در سوره زلزال اعتقادی ندارند. مجلسی ضمن نقد نظریه تجسم اعمال، بر ناممکن بودن تبدیل عرض به جوهر، یعنی تبدیل عمل به جسم تأکید می‌ورزد و قائلان به تجسم اعمال را منکران دین می‌خواند. اما اکثر مفسرین، ارائه اعمال را به مشاهده اعمال تفسیر کرده‌اند. لکن ملاصدرا، تجسم را همان «تمثل» می‌داند. مقصود وی از تمثل این است که آنچه انسان در این جهان انجام داده است، در جهان دیگر به صورتی متناسب با آن جهان نمودار می‌گردد و به عبارت دیگر: پاداش‌ها و کیفرها، نعمت‌ها و نعمت‌ها، شادمانی و سرور، درد و شکنجه‌های اخروی، همه و همه همان حقایق اعمال دنیوی انسان‌ها است که در حیات اخروی خود را نشان می‌دهند.

۳. به این ترتیب، بر مبنای دیدگاه اشتراکی گروهی از مفسرین با حکمت متعالیه، هر کرداری که انسان انجام می‌دهد، خواه خوب باشد و خواه بد، یک صورت دنیوی دارد که ما آن را شاهد می‌کنیم و یک صورت اخروی که هم‌اکنون در دل و نهاد عمل نهفته است و روز رستاخیز پس از تحولات و

۱. مطهری، انسان در قرآن، ص ۷۴.

بررسی تطبیقی تجسم اعمال در سوره زلزال در تفاسیر فریقین و حکمت متعالیه □ ۱۹۷

تطوراتی که در آن رخ می‌دهد، شکل کنونی و دنیوی خود را از دست داده و با واقعیت اخروی خود جلوه می‌کند و موجب لذات و شادمانی و یا عامل آزار و اندوه می‌گردد؛ بنابراین، اعمال نیک این جهان در روز رستاخیز تغییر شکل داده و به صورت نعمت‌های بهشتی درخواهد آمد، چنان‌که اعمال ناپسند، به صورت آتش و زنجیر و انواع عذاب نمودار خواهند شد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آشتیانی، جلال‌الدین، شرح بر زاد المسافر ملاصدرا، معاد جسمانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار المعارف اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- استادی، کاظم، نقد و بررسی نظریه انحصار پاداش و کیفر در تجسم اعمال حکمت معاصر، تهران، معرفت، ۱۳۹۴ش.
- اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، جلال‌الدین محدث، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، ۱۳۵۲ش.
- بهایی، محمد بن حسین، الاربعون، تصحیح عبدالرحمن عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۴ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسرا، ۱۳۹۱ش.
- حسینی همدانی، سید محمد، انوار درخشان، تهران، لطفی، ۱۳۹۲ش.
- رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار العلم، ۱۴۰۹ق.
- سبزواری، ملاهادی، حاشیه اسفار، ج ۹، قم، مصطفوی، ۱۳۷۹ش.
- صدرالدین شیرازی، محمد، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۲ش.
- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، قم، قدیانی، ۱۳۸۹ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، قم، اهل‌البيت (ع)، ۱۳۸۹ش.
- قراملکی، محمدحسن، کاوشی در تجسم اعمال، مجله کیهان اندیشه مهر، ۱۳۷۵ش.
- کاشانی، فتح‌الله، زبده التفاسیر، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.

- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، تصحیح و مقدمه هدایت‌الله مسترحمی، قم، بنیاد پژوهشی انقلاب اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، *مروة العقول*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- مطهری، مرتضی، *انسان در قرآن*، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ش.
- مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، محقق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، قم، دارالمعارف الاسلامی، ۱۳۸۶ش.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم صدرالدین، *المبدأ و المعاد*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱ش.